

کتاب باروخ

شامل :

پیشگفتار

متن

کتاب باروخ

پیشگفتار

ماحصل آن که نویسنده دیگری در شرایط دیگر با مخاطبانی جز آنچه در متن آمده وجود داشته‌اند. اشکال اساسی مطالعه کتاب باروخ همین است. باروخ روایات مربوط به تصرف اورشلیم توسط نبوکدنصر به سال ۵۸۷ ق.م و سال‌های تبعید را الگو قرار می‌دهد و با دست بردن بسیار و تغییراتی به منظور انطباق با این الگو، اوضاع تاریخی عصر خود را پیش رو قرار می‌دهد. این تفاوت‌ها از نشانه‌های بارز فرآیند فعلیت بخشیدن به هر اثری است. برای قرار دادن کتاب باروخ در زمان و مکان و درک وظیفه آن باید کوشید از ورای متن آنچه را در واقع وجود داشته تشخیص داد.

چهار بخش کتاب

با این حال خواننده به مشکل دیگری برخورد می‌کند که همانا خصلت اختلاطی اثر است. در واقع کتاب از چهار بخش ناهماهنگ: مقدمه‌ای تاریخی، نیایشی درباره توبه و انابت، تفکر در باب حکمت و سرانجام تشویق و تسلی اورشلیم تشکیل شده است. این بخش‌ها از لحاظ زبان اصلی، نوع و سبک ادبی و آموزه، آن قدر از هم متفاوت و دورند که موضوع وحدت مجموعه را از لحاظ انشای آن و کاربرد کلی آن زیر سوال می‌برد.

الف) مقدمه تاریخی (۱:۱-۱۴). این بخش، روایت وقایعی چند درباره قصد و نیت

دسترسی ما به کتاب باروخ از طریق نسخه یونانی هفتادتنان است که در آن نسخه بین کتاب ارمیا و مراثی جای دارد. ژروم قدیس از ترجمه آن به زبان لاتین خودداری ورزیده بود زیرا از دید وی «عبرانیان نه این کتاب را می‌خوانده‌اند و نه صاحب آن بوده‌اند». کتاب حاضر، ترجمه لاتین از وتوس لاتینا (Vetus Latina) است که بعدها جزو مجموعه ولگات (Vulgate) قرار گرفت؛ باروخ به همراه نامه ارمیا که بلافاصله بعد از آن قرار گرفته و تشکیل دهنده ششمین فصل ولگات است، بین کتاب مراثی و حزقیال جای دارد.

نام مستعار

باروخ کیست؟ پاسخ این پرسش بیش از آنچه تصور شود مشکل است. در واقع در اولین نوبت مطالعه چنین به نظر می‌رسد که این اثر را باروخ «منشی» ارمیا هنگام تبعید بابل، برای جامعه یهود که در اورشلیم باقی مانده بود نوشته است، اما تفاوت‌ها و جدایی‌های متعدد بین اطلاعات حاکی از نوشته‌های معاصر تصرف اورشلیم و تبعید و اطلاعاتی که باروخ می‌دهد انتساب این اثر را به «منشی» ارمیا ناممکن می‌سازد (ر.ک. توضیحات باروخ ۱:۱، ۲، ۸، ۱۰، ۱۲، ۱۴). بدین ترتیب کتاب دارای نام مستعار و از زمره ادبیات استعاری باشد. به عبارت دیگر

مطرح نبوده است. از نقطه نظر تاریخ نگاری برای تبیین پیوند تنگاتنگ بین اعتراف ملی دانیال و باروخ فروض مختلفی پیش کشیده شده است: اگر موضوع حاکی از اقتباس مستقیم باروخ از دانیال باشد نیایش محفوظ در باروخ (اولی) باید مقدم بر (دومی) دانیال باشد اما این امکان نیز وجود دارد که هر دو اعتراف ملی مأخوذ از نیایشی قدیمی تر باشند (براساس قدمت آموزه‌ای، ر.ک. توضیح ۱۷:۲) که بعداً به صورت مستقل در هر دو کتاب گنجانیده شد.

کاربرد آیین نیایشی، تاریخ و محل اصلی دو بخش نخست باروخ عبارتند از: روزه و مرثیه‌ها، قربانی‌های تقدیم شده به قدس الاقداس و اعتراف ملی. همه این موارد دال بر آن است که قالب آیین نیایشی در بخش نخست کتاب باروخ و بخش آیین نیایشی توبه به منظور برقراری صلح و آشتی بین قوم و خدا، پس از بروز فاجعه ملی برگزار شده است. در این مورد می‌توان چند دوره پراشوب را مد نظر قرار داد: سال ۱۶۹ و سال‌های بعد از آن تحت استیلای آنتیوخوس اپیفان، تصرف اورشلیم توسط پمپی سردار رومی به سال ۶۳ و سرانجام تصرف همین شهر توسط تیتوس در سال ۷۰ میلادی، اما غارت معبد توسط آنتیوخوس چهارم به سال ۱۶۹ ق.م و بازسازی و برقراری مجدد آیین و معبد توسط یهودا مکابی در سال ۱۶۴ یعنی پنج سال بعد (ر.ک. ۱:۲، ۸) به نظر می‌رسد از رساترین توضیحات درباره تفاوت‌های سبک نگارش در این مورد باشد. شفاعت برای نبوکدنصر و پسرش بلطشصر (۱۱:۱) به آنتیوخوس چهارم و پسرش آنتیوخوس اوپاتور آتی نیز سرایت می‌کند. اما درباره محل اصلی این دو بخش اول، بی‌تردید باید متعلق به

نگارش کتاب باروخ است. آیا این مقدمه مستقیماً به زبان یونانی توسط نویسنده‌ای آشنا به متن هفتادتنان نوشته شده است یا متکی به اصل سامی آن است؟ هر دو فرضیه پذیرفته شده است اما نظریه دوم به نظر درست‌تر می‌آید. کلاً این قسمت در حکم مقدمه‌ای برای نیایش‌هایی است که به دنیال آن می‌آید و اختصاصاً بیشتر به صورت مقدمه‌ای برای نیایش توبه و انابت می‌باشد که مناسب و قالب آیین نیایشی را نیز تعیین می‌کند.

ب) نیایش توبه و انابت (۱:۱۵-۳:۸).
در این بخش دو قسمت کوچکتر قابل تشخیص است (۱:۱۵ توضیح): بیش از همه اعتراف (۱:۱۵-۲:۱۰)، سپس استغاثه (۲:۱۱-۳:۸). متن یونانی این نیایش، مجموعه‌ای از روایات کتاب مقدس و در واقع ترجمه نیایشی است که در ابتدا به زبان عبری نوشته شده بود. این نیایش از سبک ادبی موثقی برخوردار است که همانا متن اعتراف ملی از جمله شواهد ویژه آن است: عزرا ۹:۶-۱۵؛ نوح ۹؛ مزر ۱۰۶ و دان ۹:۴-۱۹. این سبک ادبی در اسناد قمران نیز سابقه دارد (ر.ک. به خصوص به مجموعه آیین نیایشی تحت عنوان «سخنان تابناک» مربوط به غار چهارم).

آغاز نیایش (۱:۱۵-۲:۱۹) وابسته به نیایش دانیال است، اما دچار برخی تغییرات شده است. به ویژه باروخ متون دانیال مربوط به اورشلیم و قدس الاقداس مخروبه و متروک (دان ۹:۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹) را حذف کرده است. اما باروخ توضیحاتی در مورد وضعیت قوم در تبعید بر آن می‌افزاید (بار ۲:۳-۵، ۱۳، ۱۴، ۱۵). از این دگرگونی‌ها چنین برمی‌آید که نیایش توبه و انابت باروخ از دل جامعه یهودی مهاجری برخاسته که اوضاع و احوال معبد به اندازه دانیال برایش

از آن که خدا حکمت را به یعقوب ارزانی داشت «بر روی زمین دیده شد و در بین انسان ها گفتگو کرد»: همین تمایل اندک برای به حرکت درآوردن مجموعه تحول همسانی حکمت با تورات به جریان همسانی حکمت با مسیح کفایت می کرد (ر.ک. توضیح آیه ۳۸) و از اینجاست که پدران کلیسا این آیه را در حکم اشاره به راز تن گیری مسیح تفسیر کرده اند. احتمال دارد که پولس قدیس هم این دو بخش از کتاب باروخ را در دو باب نخستین نامه اول به قرن تیان مجدداً مورد استفاده قرار داده باشد.

به علت قرابت و نزدیکی آموزه ای این تفکر در باب حکمت با کتاب بن سیراخ، می توان تاریخ این تفکر را مقارن قرن دوم قبل از میلاد دانست؛ اما تعیین تاریخی دقیق تر از این امکان پذیر نیست در اینجا باز عقاید متخصصان درباره زمانی که به مدد آن این قطعه تصنیف شده، دچار تشتت و پراکندگی است. قایل شدن به وجود یک متن اصلی به زبان یونانی به نظر واقعی تر می آید. مسئله روایتی که آن را به دیگر بخش های کتاب مرتبط می دارد، پاسخ رضایت بخشی ندارد، برخی پیشنهاد می کنند که باید آن را موعظه ای دانست که به مناسبت روز توبه و انابت ایراد شده است.

(د) تشویق و تسلی اورشلیم (۹:۵-۴:۹). آخرین بخش کتاب است که دارای سبک ادبی دیگری است (ر.ک. ۵:۴ توضیح). این بخش قصیده ای است برای تشویق و تقویت روحی که سبک آن به اشعیا دوم (کتاب تسلی) نزدیک تر است. مسأله زبان اصلی، چه سامی و چه یونانی هم برای این بخش و هم برای دیگر بخش ها امری کاملاً متناقض و مبهم است. یازدهمین مزمور سلیمان که اندکی پس از تصرف اورشلیم توسط پمپی به سال ۶۳ ق.م

جوامع مهاجر یهودی و شاید جامعه مستقر در انطاکیه باشد که عمیقاً به سنت های مذهبی یهودا وابسته بودند، برخلاف هواداران پذیرش بنیادین فرهنگ و تمدن یونان، مانند کاهن اعظم منلاس (ر.ک. ۲-مک ۴:۲۳) که از لحاظ سیاسی مخالف خصومت مسلحانه با سلوکیان (۱۱:۱-۱۲:۲؛ ۲۱:۲، ۲۴) بودند.

(ج) تفکر در باب حکمت (۳:۹-۴:۴). به دنبال نیایش توبه و انابت، تفکر در باب حکمت قرار می گیرد. این متن باز پرسش مربوط به علت بدبختی قوم در تبعید را مطرح می سازد، اما پاسخ آن در مضامین خاص نوشته های حکمتی تحریر شده است.

تفکر در باب حکمت در چرخشی از تاریخ آموزه های حکمتی یهود قرار می گیرد. عقیده به حکمت جهان شمول (امث ۸:۱۷، ۳۱)، معادل ترس از خدا (امث ۱:۷؛ ۹:۱۰؛ ۳۳:۱۵؛ مز ۱۱۱:۱۰؛ ایوب ۲۸:۲۸) می شود و گاه همسان با تورات قلمداد شده که تنها قوم برگزیده مالک و صاحب آن می باشد (بنسی ۲۴:۸-۱۲، بار ۴:۱) که گاه به همراه عمل خلاق خدا (امث ۸:۲۲-۳۱؛ بنسی ۲۴:۹، و شاید بار ۳:۳۲-۳۵ ر.ک. توضیح ۳:۳۲) و گاه در بین مردم ساکن است. مفهوم دوم، بیانگر متحول شدن مبحث الهیات آتی است که در آن حکمت به مسیح تشبیه شده است (۱-قرن ۱:۲۴؛ ۲:۶-۹؛ یو ۱:۱۴). در کتاب باروخ بین این دو جریان همگرایی وجود دارد. (بار ۴:۱ را با ۳:۳۸ مقایسه کنید). بی تردید همسانی و سنخیت حکمت با تورات در متون یونانی با وضوح بیشتر روایت شده است. با وجود این، جریان مسیحایی نیز در آن مشهود است همان گونه که در ترجمه لاتین بار ۳:۳۸ و در واقع در متن وتوس لاتینا نیز به وضوح دیده می شود. پس

گسترش حکمت، تعیین خاستگاه دقیق آن مشکل است و به لحاظ سبک و به خصوص با توجه به وحدت زبانی مخاطبان، با طیب خاطر می‌توان تحریض و تشویق مذکور را سروده‌ای درباره اورشلیم دانست. کتاب در واقع در طول نیمه دوم قرن دوم شکل نهایی خود را بازیافت. در شکل فعلی، متن با تأییدی درباره روی گردانی و جدایی بین خدا و قوم وی آغاز می‌شود و با ندای صلح و آشتی پایان می‌پذیرد. گذر از جدایی و روی گردانی به صلح و آشتی حاصل تعمق و تفکری ژرف درباره گناه و سپس درباره حکمت همسان با تورات است، که همانا دربر دارنده مفهوم کتاب باروخ در یک دید است اما وحدت آن در وظیفه و عمل آیین نیایشی آن است: کتاب باروخ را چون کتاب کوچکی در یک روز توبه و روزه می‌توان خواند. در واقع پس از قرن دوم با خواندن این کتاب به ویژه در روزهای یادواره ویرانی معبد در سال ۷۰ میلادی، تجدید خاطره آن روی داد در عمل انجام می‌شد. تقارن ذکر شده در سنت یهود، به خصوص توسط فلاویوس ژوزف (یوسفوس) مورخ و مجموعه قوانین یهود (میشنا)، بین ویرانی‌های سال‌های ۵۸۷ ق.م و ماه پنجم سال ۷۰ میلادی و روایت برپایی روزه و توبه پس از سال ۷۰ بر اساس الگویی که درباره آن‌ها زکریا در ۳:۷ و ۱۹:۸ یاد می‌کند و سرانجام شهادت مرامنامه‌های رسولی (جلد ۵، ۳:۲۰) که بر آن اساس یهودیان کتاب باروخ را در سال روز ویرانی اورشلیم می‌خوانده‌اند، همه دلایلی در جهت این ادعاست. در روزگار ما، در آئین نیایشی کلیسای کاتولیک برخی متون کتاب باروخ به ویژه ۳:۹-۱۵، ۳:۳۲-۴:۴ احتمالاً در نیایش شب زنده‌داری ایام گذر خوانده می‌شود.

سروده شده به این قسمت کار باروخ بسیار نزدیک است. از مقایسه این نوشته‌ها می‌توان به فرضیه تقدم بخش اخیر رسید. برعکس مقدمه تاریخی و نیایش توبه و انابت که جایش در آغاز تبعید است و سیاست صلح و آشتی با ملل بیگانه را قویاً مورد تأکید قرار می‌دهد، متن در این قسمت نسبت به آنان کاملاً دیدگاهی خصمانه دارد و بازگشت فوری و سریع تبعیدیان مورد نظر اوست. بدین ترتیب، موضوع متعلق به زمان و مکانی کاملاً متفاوت از دو بخش اولی می‌شود. پیش از سال ۶۳ (ق.م) و ممکن است تاریخ آن نیمه دوم قرن دوم و مربوط به جامعه‌ای مهاجر بوده که با کمک و تشویق موفقیت‌های سیاسی و نظامی هاسمونیان، از سلوکیان فاصله گرفته بودند. سرانجام چنین به نظر می‌رسد که تشویق و تسلی اورشلیم بدون هیچ مشکلی در قالب آئین نیایشی توبه و انابت درج شده است (ر.ک. توضیح بار ۴:۲۰): این پاسخ خدا به صورت ندای آسمانی به استغاثه ملی است.

کتاب باروخ در يك دید

از آنچه گفته شد، چنین برمی‌آید که کتاب باروخ در جامعه مهاجر یهود به رشته تحریر درآمده که در آن اهالی اورشلیم را به برپایی آئین نیایشی توبه و انابت دعوت می‌کند، دو بخش نخست آن که کهن‌ترین آن‌ها هم می‌باشند بایستی معاصر آن دوره یا اندکی پس از رویدادهای سال ۱۶۴ ق.م بوده باشد و به نظر می‌رسد از جامعه‌ای مهاجر که از لحاظ سیاسی در نیمه راه بین هواداران منلاس و هواداران مکابیان قرار داشته، تراوش شده باشد. چهارمین بخش که بعداً افزوده شد احتمالاً حاصل محیطی است که در قضیه یهود به استقلال دست یافته بود. اما درباره تحول و

کتاب باروخ

پادشاه^h، مشایخ و خلاصه در حضور همه قوم، خرد وکلان و همه کسانی که در بابل نزدیک رودخانه سودا ساکن بودند.^۵ مردم در برابر خداوند می‌گریستند، روزه داشتند و نیایش می‌کردند.^۶ همچنین برابر امکان هر کس^k، پول جمع می‌کردند^۷ و به اورشلیم برای یهوایقیم^۱ کاهن، پسر حلقیا، پسر شلوم و همچنین برای کاهنان دیگر و برای همه قوم که با وی در اورشلیم بودند می‌فرستادند.^۸ باروخ در این زمان اشیاء

^۱ این است مفاد^a کتابی که باروخ^b، پسر نیریا، پسر معسیا، پسر صدقیا، پسر حسدیا، پسر حلقیا در بابل نوشت.^۲ در پنجمین سال و هفتمین^d روز ماه، از روزگاری که کلدانیان اورشلیم را تسخیر و به آتش ویران کرده بودند.^e ^۳ باروخ، مفاد این کتاب را در حضور^f یکنیا^g پسر یهوایقیم، پادشاه یهودیه و همه قوم که برای شنیدن کتاب آمده بودند، خواند.^۴ در حضور بزرگان، پسران

- a- تحت اللفظی: سخنان کتاب: ر.ک. ار ۲۹:۱.
b- در مورد مسأله انتساب این کتاب به منشی ارمیا ر.ک. پیشگفتار. در جاهای دیگر نیز نوشته‌های جعلی دیگری منتسب به باروخ وجود دارد. در این متن تنها شجره نامه‌ای تفصیلی ارائه شده است.
c- این اشاره باروخ به بابل با اطلاعاتی که از ار ۶:۴۳-۷ در دست داریم زیاد انطباق ندارد، زیرا به موجب آن ارمیا و باروخ اندک زمانی پس از قتل جدلیا مجبور به اقامت در مصر شدند.
d- روایت دیگر: نهمین.
e- با این اشاره بایستی در سال ۵۸۲ ق.م و احتمالاً در ماه پنجم باشیم یعنی برابر سالگرد انهدام اورشلیم طبق ۲-پاد ۵:۸ (ار ۱۲:۵۲ در روز دهم). انتشار کتاب در جریان مراسم توبه صورت می‌پذیرد (آیه ۵) همان‌گونه که بعدها نیز چنین خواهد بود (زک ۷:۳، ۵:۸:۱۹).
f- تحت اللفظی: به گوش‌های: اصطلاحی که بیانگر خواندن یا اعلام عمومی کتاب، غزل یا کلام نبوتی است. ر.ک. خروج ۲۴:۷؛ تث ۳۲:۴۴؛ ار ۳۶:۶، ۱۱-۱۴).
g- منظور یهوایکین پادشاه است. در سال ۵۹۸ پس از سه ماه سلطنت به اسارت نبوکدنصر درآمد و به بابل فرستاده شد (۲-پاد ۲۴:۱۲)، وی پس از ۳۷ سال اسارت آزاد گردید (۲-پاد ۲۵:۲۷؛ ار ۵۲:۳۱).
h- چه شاهزادگان خانواده سلطنتی، چه درباریان و خویشان پادشاه.
i- رود یا کانال آبیاری شهر بابل که در مأخذ دیگری نامی از آن نیست. برخی نویسندگان به پیروی از برخی نسخه‌ها آن را با نهر آهوا روایت شده در عز ۸:۱۵ یکی می‌دانند.
j- حال و وضعی که بیانگر ویژگی‌های آیین نیایش توبه است. ر.ک. عز ۱:۱۰؛ یول ۱۴:۱ توضیح: ۲:۱۲.
k- تحت اللفظی: برابر آنچه از دست هر کس بر می‌آمد.
l- در هیچ جای دیگر کتاب مقدس روایت نشده است. احتمالاً کاهنی درجه دوم که در اورشلیم پس از ویرانی شهر باقی مانده بود: ر.ک. ۲-پاد ۲۳:۴؛ ۲۵:۱۸ توضیح.

بلطشصر^f نیایش کنید تا روزهایشان چون تث ۲۱:۱۱
 روزهای آسمان بر زمین باشد^s. ۱۲ باشد
 که خداوند ما را قدرت بخشد و دیدگان ما عز ۸:۹
 را منور سازد تا در سایه^t نبوکدنصر پادشاه
 مزا ۲۰:۴؛ ۱:۹۱
 بابل و در سایه پسرش بلطشصر زندگی
 کنیم، باشد که روزهای دراز خدمتشان کنیم
 و در برابر آنها فیض یابیم. ۱۳ همچنین
 برای ما به حضور خداوند خدای ما نیایش
 کنید زیرا به ضد خداوند خدای خود گناه
 کرده ایم و غضب خداوند و خشم وی تا به
 امروز از ما بازنگشته است. ۱۴ پس این
 کتاب را برایتان می فرستیم تا به منظور
 اعتراف گناهان^u، در روز عید^v و روزهای
 مقرر^w آن را در خانه خداوند بخوانید.
 ۱۵ بگوئید:

خانه خداوند را که از معبد برده شده بود
 دوباره به دست آورد تا به سرزمین یهودیه
 بفرستند^m، در روز دهم ماه سیوانⁿ؛ اشیاء
 نقره ای که صدقیاء، پسر یوشیا، پادشاه
 یهودیه دستور داده بود بسازند، ۹ پس از
 ار ۱:۲۴ آن که نبوکدنصر پادشاه بابل، یکنیا پادشاه
 یهودیه را از اورشلیم به بابل به تبعید
 فرستاد و نیر رؤسا، زندانیان^o، بزرگان و
 مردمان آن سرزمین را.
 ۱۰ پس گفتند: اینک برایتان پول
 می فرستیم؛ با این پول قربانی برای قربانی
 سوختنی و با ذبح کردن برای قربانی گناهان و
 بخور بخرید، همچنین تقدیمی^p بگذرانید
 عز ۱۰:۶ و قربانی ها را بر قربانگاه^q خداوند خدای
 ما تقدیم کنید ۱۱ و برای زندگی نبوکدنصر
 پادشاه بابل و برای زندگی پسرش

m- این مطلب با آنچه در عز ۷:۱-۱۱ آمده تناقض دارد. توجه به اشیاء مقدس و متبرک که قبلاً در متون پس از دوران تبعید
 مانند ۱-پاد ۷:۴۰-۵۱:۲-توا ۱۸:۲۹-۱۹:۱؛ عز ۷:۱۱-۱۱:۷؛ ۱۹:۷ اشاره شده به نظر می رسد حتی در دوره مکابیان نیز مطلب
 زنده روز بوده است: دان ۱:۲؛ ۵:۲-۴؛ ۱-مک ۱:۲۱-۲۴؛ ۴:۴۹-۵۱؛ ۲-مک ۲:۴-۱۲. افسانه مذکور که در آخرین متن
 روایت شده بعدها در بسیاری از نوشته های تحریفی و نیز در تلمود از سر گرفته می شود.

n- سریانی: روز دهم نیسان.

o- در برخی از نسخ مانند ار ۲۴:۱؛ ۲۹:۹ آمده است: پیشه وران.

p- تحت اللفظی: منا. در ترجمه هفتاد تنان واژه یونانی «منا» (=من) چندین بار در ارمیا به کار رفته است (ر.ک. ۲۶:۱۷؛
 ۵:۴۱) اما به ویژه در کتاب عزرا ترجمه واژه عبری «مینا» (=تقدیمی) است. درباره مجموعه این قربانی ها و تقدیمی ها به
 پیشگفتار لاویان رجوع کنید.

q- وجود فرضی این قربانگاه و به ویژه خانه خداوند در آیه ۱۴ با آنچه در آیه ۲ آمده و به طور ضمنی بیانگر ویرانی معبد است
 مغایرت دارد.

r- همان سهو تاریخی و جا به جایی شخصیت ها که در دان ۲:۵ هم آمده است. بلطشصر پسر نبوکدنصر نبود بلکه پسر «نبونید»
 پادشاه غاصب بابل که توسط کوروش وازگون گردید.

s- یعنی عمرشان همان قدر پایدار باشد که آسمان بر روی زمین است. ر.ک. تث ۱۱:۱۱.

t- تصویری از مأمن و پناهگاه که پادشاهان یا حکومت آنان را به درخت یا چتر تشبیه می کردند: داو ۹:۱۵؛ اش ۳:۳۰؛
 حزق ۳۱:۱-۲، ۶؛ مرا ۲۰:۴؛ دان ۹:۴، ۱۸؛ مر ۴:۳۲.

u- ترجمه ممکن دیگر: به منظور قرائت عمومی (ر.ک. ار ۳۶:۶، ۸).

v- ذکر عید بدون مشخصه دیگری قاعداً باید مهمترین عید یعنی عید خیمه ها باشد: ۱-پاد ۸:۲، ۶۵؛ حزق ۴۵:۲۵. در مورد
 عید خیمه ها ر.ک. خروج ۲۳:۱۶ توضیح. لاو ۲۳:۳۳-۳۶ توضیح.

w- تحت اللفظی: روزهای زمان مناسب. ترجمه ممکن دیگر: تاریخ معین، ر.ک. خروج ۱۳:۱۰؛ دان ۸:۱۹ یا روز اجتماع، ر.ک.
 لاو ۲۳:۲ توضیح.

نیایش توبه^x

اعتراف

پدران ما را از سرزمین مصر خارج کرد تا	عدالت از آن خداوند خدای ماست و	۶:۲
به ما سرزمینی دهد که در آن شیر و عسل	روی شرمسار از آن ما، همان گونه که امروز	دان ۷:۹
جاری است، به ما چسبیده است. ۲۱ ما	شده است! از آن مردان یهودیه و ساکنان	مز ۱۶:۴۴
صدای خداوند خدای خود را بر حسب تمام	اورشلیم، ۱۶ از آن پادشاهان ما، رؤسای ما،	عز ۷:۹
سخنان انبیائی که برای ما فرستاده	کاهنان ما، انبیای ما و پدران ما. ۱۷ زیرا	ار ۱۹:۷
نشندیدیم، ۲۲ بلکه هر یک از ما به پیروی	به ضد خداوند گناه کرده ایم، ۱۸ به او	دان ۸:۹
قلب شرور ^b خویش خدمت خدایان دیگر	وفادار نبوده ایم و صدای خداوند خدای	ار ۳۲:۳۲
نمودیم و آنچه را در نظر خداوند خدای ما	خود را گوش نکرده ایم و از فرمان های	نع ۳۲:۹
بد بوده انجام داده ایم.	خداوند که در برابر ما نهاده اطاعت	دان ۱۰:۹
۱ بدین ترتیب، خداوند، سخنی را	نکرده ایم. ۱۹ از روزی که خداوند پدران	
که علیه ما، علیه داوران ما که	ما را از سرزمین مصر خارج کرد تا به امروز	
اسرائیل را داوری کرده اند، علیه پادشاهان	نسبت به خداوند خدای خود بی وفائی	عز ۷:۹
ما، علیه رؤسای ما و علیه همه ساکنان	کرده ایم ^z و برای نشنیدن صدایش بسیار	دان ۱۱:۹
اسرائیل و یهودیه گفته بود، به عمل آورد:	سبک سر بوده ایم ^a . ۲۰ اینک همان گونه که	دان ۱۱:۹
۲ هرگز زیر تمامی آسمان، آنچه در اورشلیم	می بینید بدبختی و نفرینی که خداوند	لاو ۱۴:۲۶
روی داد، برابر آنچه در تورات موسی نوشته	توسط خادم خود موسی اعلام کرد، روزی که	تث ۲۸-۲۶:۱۱
شده است ^d روی نداد. ۳ بدانید که هر یک		۲۶-۱۵:۲۷
		۶۸-۱۵:۲۸
		۲۰:۲۹

X- بخش اول نیایش یعنی اعتراف (۱۰:۲-۱۵:۱) بر تشریح گذشته متوکل شده است. مسؤلیت روی گردانی از عهد به گردن ساکنان یهودیه است: بدبختی هایی که برایمان روی داده نتیجه گناهان ماست. کاربرد ضمیر اول شخص جمع (آیات ۱۵-۱۷ و غیره) به نظر می رسد اشاره به ساکنان اورشلیم است درحالی که تبعیدیان به صورت سوم شخص جمع نام برده شده اند (بار ۴-۵). دنباله نیایش یعنی استغاثه (۸:۳-۱۱:۲) بیشتر مربوط به زمان تبعید است. چرا که تبعیدیان هستند که نیایش می کنند و خدا را به صورت دوم شخص خطاب می کنند. نقش تبعید در مشیت الهی، هدایت قوم در بازگشت به خود اوست که از طریق ذکر نام خدا و روی گردانی از گناه میسر می شود. از نیایش چنین برمی آید که تبعیدیان از ته دل نیایش می کنند و با یقین و اعتماد در انتظار تحقق وعده خدا هستند (۳۴:۲-۳۵).

Y- نویسنده برای تشریح اطاعت مطلق که خواسته عهد است و قوم بنی اسرائیل از آن امتناع ورزیده، از اصطلاحات رایج در ارمیا و ادبیات تخنیه سود جست است: شنیدن صدای خداوند (بار ۱:۱۹، ۲۱:۲، ۵:۲، ۱۰، ۲۲، ۲۴، ۲۹:۳، ۴)، ر.ک. خروج ۱۵:۲۶؛ ۱۹:۵؛ ۲۲:۲۳؛ تث ۴:۳۰؛ ۵:۱۵؛ ۱۳:۳؛ ۲۵:۷؛ ۲۳:۷؛ ۴:۱۱؛ ۲۱:۲۲؛ اطاعت از فرمان های خداوند (تحت اللفظی: راه رفتن طبق فرمان): لاو ۲۶:۳؛ ۳:۲۶؛ ۴:۲۶؛ ۲۳:۳۲، ۴۴:۱۰، ۲۳؛ که در برابر ما نهاده است: تث ۴:۸؛ ۱۱:۲۶، ۳۲؛ ۳۰:۱، ۱۵، ۱۹.

Z- بنی اسرائیل، گناهکار و از جوانیش بی وفا بوده است، مضمونی که در موعظه های انبیایی و عنصر نیایش توبه زیاد به چشم می خورد. ر.ک. حزق ۱۶:۲۰؛ ۲۳:۹؛ مز ۷۸:۱۰۶؛ و غیره.

a- برخی فرض را بر آن نهاده اند که نسخه اصل سامی مانند دان ۵:۹، ۱۱ بوده است: ما عصیان کرده ایم.

b- ر.ک. از ۱۷:۳ توضیح.

c- برخی نسخ می افزایند: بدبختی های بزرگ بر ما آورد، مانند دان ۹:۱۲.

d- ر.ک. نفرین ها و لعنت های لاو ۲۶:۲۷-۲۹؛ تث ۲۸:۵۳-۵۷.

استغاثه

^{۱۱} و اینک ای خداوند خدای اسرائیل،

تو که قوم خود را از سرزمین مصر با دست دان ۱۵:۹
قوی، با کرامات و معجزات، با قوتی عظیم
و بازوی گشاده خارج کردی، تو که از خود
نامی ساختی که امروز نیز همان گونه
است^h،^{۱۲} ای خداوند خدای ما، به ضد
همه فرمان‌های تو ما گناه ورزیده ایم، به
بی‌دینی رفتار کرده ایم و مرتکب بی‌عدالتی
شده ایم.^{۱۳} غضب خود را از ما بگردان
زیرا بین ملت‌هایی که در میان‌شان پراکنده
گشته ایم مطرود و بسیار اندکیمⁱ.

^{۱۴} خداوندا نیایش‌ها و استغاثه‌های ما
را مستجاب گردان، ما را به خاطر خود^j
رهایی ده و در برابر کسانی که ما را تبعید
کرده‌اند ما را فیض ببخش،^{۱۵} تا همه
زمین بدانند که تو خداوند خدای ما هستی
زیرا نام تو بر اسرائیل و بر نژاد اوست^k.
^{۱۶} خداوندا از مکان مقدس خود بنگر^l و
در فکر ما باش، خداوندا گوش فرا دار و
بشنو.^{۱۷} خداوندا، چشمان خود را بگشای
و بنگر: مردگان در هاویه، آنان که نفسشان

مرا^{۲۰:۲}: از ما گوشت پسرش را و هر کدام از ما گوشت
دخترش را می‌خورد^e.^۴ و خداوند آنان را

به قدرت همه حکومت‌هایی که ما را احاطه
کرده بودند، به خواری و کراهت^f در میان
همه اقوام اطراف که خداوند ما را بین آنها
پراکنده ساخته تسلیم کرد.^۵ و آنان به جای
آن که مسلط باشند، مقهور شدند زیرا با
نشنیدن صدای خداوند خدای خود به ضد
او گناه ورزیده ایم.

^{۱۵:۱} عدالت از آن خداوند خدای ماست و
روی شرمسار از آن ما و پدران ما،
همان گونه که امروز شده است!^۷ همه این
بدبختی‌هایی که خداوند به ما گفته بود، بر
ما فرا رسید.^۸ و ما هر یک با روی آوردن
به افکار قلب شریر خود، روی خدا را آرام
نموده ایم^g.^۹ همچنین خداوند مراقب این
بدبختی‌ها است و آن‌ها را بر ما وارد کرده
زیرا خداوند در همه اعمالی که به ما دستور
داده عادل است.^{۱۰} اما صدای او را گوش
نکرده ایم که ما را امر نموده طبق فرمانی که
خداوند در برابر ما نهاده قدم برداریم.

e- ر.ک. ۲- پاد: ۲۸-۲۹؛ حزق: ۹: ۱۹؛ ۱۰: ۵. بنا به نوشته فلاویوس ژوزف (یوسفوس) مورخ یهودی، اعمالی از این قبیل هنگام محاصره اورشلیم در سال ۷۰ م روی داده بود.

f- ر.ک. ار: ۲۴: ۹؛ ۱۸: ۴۲؛ ۸: ۴۴؛ ۱۲: ۱۳؛ ۴۹: ۱۳.

g- به نظر می‌رسد که متن یونانی در اینجا بر امتناع از نیایش به درگاه خداوند تأکید دارد که البته پیش از هر چیز بیان دل‌سختی بیش از حد اسرائیل است. اما ممکن است اصل نسخه سامی مشابه دان: ۹: ۱۳ باشد: هر یک از ما با رو کردن به اندیشه‌های قلب پلید خود، روی خداوند را آرام نساخته ایم.

h- خروج از مصر، شاهکار والای خداوند و موجب اشتهار عظیم وی، سرچشمه امید به دیگر اعمال نجات است.

i- متن به طور محسوس با دان: ۹: ۱۶ متفاوت است: ر.ک. پیشگفتار. درباره مفهوم تعداد اندک و بقیه [وفادار] ر.ک. عا: ۵: ۱۵ و اش: ۱: ۹ توضیحات: اش: ۴-۲-۳.

j- ترجمه دیگر: به خاطر نام خود.

k- نام خداوند بر شیبی یا بر اشخاصی بودن به معنی مالکیت شخصی خداوند بر آن‌ها است: ۲: ۲۶؛ اش: ۶۳: ۱۹؛ ار: ۷: ۱۴؛ ۹: ۱۴؛ ر.ک. همچنین عا: ۹: ۱۲؛ ار: ۷: ۱۰؛ ۲- سمو: ۱۲: ۲۸.

l- در مقایسه با دان: ۹: ۱۸ (ر.ک. پیشگفتار) در اینجا بیشتر آسمان به عنوان مکان خداوند مورد نظر است تا معبد. ر.ک. ۱- پاد: ۸: ۳۰.

از اندرونشان گرفته شده دیگر جلال
 و عدالت خداوند را نمی‌سرایند^m،^{۱۸} بلکه
 روح رنجیده از غم، کسی که خمیده راه
 می‌رود و توانی ندارد و چشمانش بی‌سو و
 روحش گرسنه است، خداوند اوست که
 جلالⁿ و عدالت تو را می‌سراید.

تث ۶۵:۲۸ می‌رود و توانی ندارد و چشمانش بی‌سو و
 روحش گرسنه است، خداوند اوست که
 جلالⁿ و عدالت تو را می‌سراید.

دان ۱۸:۹: تبط ۵:۳
 ۱۹ پس ای خداوند خدای ما، به خاطر
 اعمال عادلانه پدرانمان و پادشاهانمان
 استغاثه خود را در مقابل روی تو می‌نهم^o.

۱۳:۱ زیرا تو، خشم و غضب خود را بر ما نازل
 کرده‌ای، همان‌گونه که به واسطه خادمانت
 انبیا اعلام داشته بودی که می‌گفتند:
 ۲۱ «خداوند چنین می‌گوید: شانه خود را
 خم کنید و پادشاه بابل را خدمت نمائید و
 مقیم سرزمینی خواهید شد که به پدران شما
 داده‌ام. ۲۲ اما اگر صدای خداوند را
 هنگام خدمت به پادشاه بابل گوش نکنید،
 ۲۳ در شهرهای یهودیه و بیرون از اورشلیم،
 فریاد شادی و شمع، آواز داماد و آواز
 عروس را قطع کنم و تمامی سرزمین
 صحرای خالی از سکنه خواهد شد^p.»

ار ۳۴:۷: ۱۱-۱۰:۳۳
 ۲۰:۴ توضیح.
 ۲۱ توضیح: به روی درمی‌افتیم: حرکتی بیانگر فروتنی و تعظیم، ر.ک. عز ۵:۹. تنها تکیه‌گاه و ملجاء ممکن استغاثه‌ها خود
 خداوند عادل و مهربان و امین به وعده‌های خویش است.
 ر.ک. ۱۴:۲؛ خروج ۱۱:۳۲-۱۴. مقایسه شود با روم ۱۸:۵.
 ر.ک. همچنین از ۱۶:۹؛ ۱۰:۲۵.
 q- نداشتن قبر یا بی‌حرمتی به آن عملی شنیع و منفور است: عا ۳-۱:۲؛ ار ۱۶:۴؛ ۱۸:۲۲-۱۹.
 r- تحت اللفظی: دوری. در بسیاری از ترجمه‌ها به تبعیت از ار ۳۶:۳۲ طاعون آمده است. درباره این بلاها ر.ک. ۲- سمو ۱۳:۲۴؛
 ار ۱۴:۱۲؛ ۱۲:۲۴؛ ۱۰:۲۴؛ حزق ۵:۱۲.
 s- آیات ۲۹-۳۵ همانند نقل قولی آزاد از خطابه‌ای الهی ارائه شده است که خلاصه‌کننده الهیات لاو ۲۶:۱۴-۴۵؛ ۴:۴-۲۵-۳۱؛
 ۲۸-۵۸:۶۸؛ ۳۰-۱:۱۰ به همراه اصطلاحات مأخوذ از ارمیا و حزقیال است. ر.ک. ار ۷:۵؛ ۲۴:۷-۳۶:۳۲-۴۰.

۲۴ ولی ما هنگام خدمت پادشاه بابل صدای
 تو را گوش نگرفتیم و تو سخنانی را که به
 زبان خادمانت انبیا گفته بودی به عمل
 آوردی: استخوان‌های پادشاهان ما و
 استخوان‌های پدرانمان از جایشان منتقل
 شده‌اند^q. ۲۵ و به زیر گرمای روز و سرمای
 شب افکنده شده در رنج بی‌رحمانه
 قحطی، شمشیر و تبعید^r مرده‌اند،^{۲۶} و
 به خاطر شرارت خاندان اسرائیل و خاندان
 یهودیه با این معبد که به نام توست، آن
 کرده‌ای که امروز شده است. ۲۷ با این
 وجود، ای خداوند خدای ما، با ما برابر
 تمام عدالت و انصاف خود و برابر رحمت
 عظیم خویش رفتار کرده‌ای. ۲۸ همان‌گونه که
 به واسطه موسی خادم خود اعلام کردی، در
 روزی که به وی فرمان دادی تورات تو را در
 حضور بنی اسرائیل بنویسد که فرمودی
 ۲۹ «به یقین، اگر صدای مرا گوش نگیری،
 این جمع کثیر و عظیم در میان مللی که آن‌ها
 را در میانشان پراکنده‌ام به تعداد اندکی
 مبدل خواهد شد،^{۳۰} چون می‌دانم که به من

برمی آورد: ^۲ ای خداوند، بشنو و ترجم فرما
 زیرا ما برعلیه تو گناه ورزیده ایم، ^۳ تو
 جاودانه بر تخت هستی ولی ما همیشه رو به
 نیستی می رویم! ^۴ ای خداوند قادر مطلق،
 خدای اسرائیل، نیایش مردگان اسرائیل ^۴ را
 بشنو، نیایش پسران کسانی که برعلیه تو
 گناه کرده اند چرا که که صدای خداوند
 خدای خود را نشنیدند و این چنین
 بدبختی ها بر ما نازل شده است. ^۵ خطاهای
 پدرانمان را به یاد میاور بلکه در این زمان
 از دست خود و نام خود یاد کن، ^۶ زیرا توئی
 خداوند خدای ما و ای خداوند تنها تو را
 می پرستیم. ^۷ برای همین تو ترس خود را در
 دل ما نهاده ای تا نام تو را بخوانیم. تو را در
 تبعید خود ستایش می کنیم، زیرا همه
 خطاهای پدرانمان را که برعلیه تو گناه
 کرده اند از دل های خود دور ساخته ایم.
^۸ اینک ما در سرزمین تبعید خویش هستیم،
 آنجا که تو ما را برای خفت، نفرین و باز
 پس دادن دین هایمان پس از همه خطاهای
 پدرانمان که خداوند خدایمان را ترک
 گفته اند پراکنده نموده ای.

مز ۱۰۲:۱۳؛
 مرا ۱۹:۵-۲۰

حزق ۲۰:۱۴؛
 مز ۷۹:۹؛
 ۱۸:۸۰

ار ۳۲:۳۹-۴۰

۴:۲؛
 ار ۴۲:۱۸

گوش نخواهند داد زیرا قوم گردنکش
 هستند. اما در سرزمینی که به تبعید
 رفته اند به خود باز خواهند آمد ^{۳۱} و
 خواهند دانست که من خداوند خدای
 ایشان هستم. به آنان قلب و گوش هایی
 خواهم داد تا بشنوند. ^{۳۲} ایشان در سرزمینی
 که به تبعید رفته اند مرا ستایش خواهند
 کرد و نام مرا به یاد خواهند آورد. ^{۳۳} از
 گردنکشی و اعمال نکوهیده خود پشیمان
 خواهند شد زیرا سرنوشت پدرانشان را که
 به ضد خداوند گناه کرده اند به یاد خواهند
 آورد. ^{۳۴} ایشان را به سرزمینی که به
 پدرانشان ابراهیم، اسحاق و یعقوب وعده
 داده ام خواهم برد و در آنجا مسرور خواهند
 بود، آن ها را کثیر خواهم گردانید و کاستی
 نخواهند پذیرفت. ^{۳۵} برای ایشان عهدی
 دائم برقرار خواهم کرد تا من خدای ایشان
 باشم و آنان قوم من باشند و من دیگر قوم
 خود اسرائیل را از سرزمینی که به آنان
 داده ام نخواهم راند.»

۳ ^۱ ای خداوند قادر مطلق، خدای
 اسرائیل، این جان پر از اضطراب
 و روحی درمانده است که به سوی تو فریاد

خروج ۳۲:۹؛
 تث ۲۹:۴-۳۰؛
 ۱-۸؛
 ۴۷-۴۸

عز ۷:۶؛
 ار ۲۴:۷؛
 ۳۲:۳۹؛
 خروج ۱۱:۱۹؛
 ۳-۹؛
 ۳-۹؛
 زک ۱۰:۹؛
 نج ۳۵:۹

عز ۶:۹؛
 زک ۱۰:۹؛
 نج ۳۵:۹

تث ۳۰:۵

ار ۳۱:۳۱-۳۴؛
 ۳۲:۴۰؛
 حزق ۳۷:۲۶-
 ۲۷

t- مردگان اسرائیل می تواند دو مفهوم داشته باشد: نیاکان درگذشته که برای تبعیدیان شفاعت می کنند؛ یا (به خاطر ۱۷:۲) خود
 تبعیدیان که با مردگان مقایسه شده اند: ر.ک. اش ۴۱:۱۴ توضیح: اش ۵۹:۱۰؛ حزق ۳۷:۱-۱۴، مرا ۳:۶. برخی معتقدند که
 اصل سامی این عبارت، آدمیان است.

تعمق بر حکمت^{۱۵}

حکمت دور از دسترس

۱۵ چه کسی جایگاه حکمت را یافته
ایوب ۲۸: ۲۰، ۱۴
و چه کسی به گنجینه هایش وارد شده
بنسی ۱: ۶
است؟^{۱۶}

۱۶ کجا هستند روسای ملت‌ها،

و آنانی که وحوش زمین را رام می‌کنند؟
ار ۲۷: ۶
دان ۳۸: ۲
یهودیه ۱۱: ۷

۱۷ کجا هستند آنانی که پرندگان آسمان

را به بازی می‌گیرند،
آنانی که زر و سیم می‌اندوزند،

که مردمان اعتماد خود را بر آن‌ها می‌نهند،
و در تصاحب آن‌ها حدی نیست؟^{۱۸}

۱۸ کجا هستند آنانی که با آن‌ها همه
ظرافت بر نقره قلم می‌زنند،
و در تصاحب آن‌ها حدی نیست؟

۱۹ آنانی که آثارشان فراتر از تصور است؟
ایشان نابود شده به‌هاویه سرنگون

گشته‌اند،

و دیگران جایشان را گرفته‌اند.^a

۲۰ جوان‌ترین آن‌ها نور را دیده و بر زمین

تشویق

۹ ای اسرائیل احکام زندگانی را بشنو،
و برای تعلیم بصیرت گوش فرادار.^v
۱۰ ای اسرائیل، از چه روی چنین شده

است؟ چرا در سرزمین دشمن هستی؟

چرا در زمین بیگانه پیر می‌شوی؟

۱۱ چرا خود را با مردگان آلوده می‌سازی^w

و چرا در شمار کسانی درآمده‌ای که به
وادی مردگان سرنگون می‌شوند؟

۱۲ زیرا تو سرچشمه حکمت^x را ترک
کرده‌ای!

۱۳ اگر در طریق خدا گام برداشته بودی
تا به ابد در آرامش به سر می‌بردی.

۱۴ بیاموز که بصیرت کجاست، قدرت
کجا و فراست کجا

تا در عین حال بدانی بلندی روزها و
طول عمر کجاست،
بنسی ۱: ۱۶، ۲: ۳

نور دیدگان کجاست و آرامش کجا.

ii - یک شخصیت گمنام، قوم بنی اسرائیل را که در میان ملت‌ها پراکنده‌اند مخاطب قرار می‌دهد. در نخستین بخش تشویق (۹:۳-۱۴) از قوم دعوت می‌کند که متوجه شود علت تبعید وی رها کردن و ترک سرچشمه حکمت است. سپس نکاتی در باب بسط و توسعه - تعمق - این حکمت دست نیافتنی که تنها بر خدا آشکار است ولی خدا آن را به قوم بنی اسرائیل سپرده زیرا حکمت همان تورات است (۳:۱۵-۴:۱). از همین جا ترغیب و تشویق جدیدی آغاز می‌شود (۴:۲-۴:۴): این که اسرائیل به سوی حکمت بازگشت نماید!

v - تکرار اصطلاحات کتاب تشبیه از دیدگاهی حکیمانه: بشنو ای اسرائیل: تث ۱: ۵؛ ۴: ۶. احکام زندگانی یعنی احکام حیات بخش: تث ۶: ۲۴؛ ۸: ۱؛ همچنین ر.ک. لاوا ۱۸: ۵؛ حزق ۲۰: ۱۱؛ نوح ۹: ۲۹. بصیرت (قوه تمییز) یعنی فضیلت احتیاط، هوشمندی و منطق عملی و تفکر؛ همچنین نگاه کنید به پیشگفتار امثال. ر.ک. امث ۲: ۲ توضیح.

w - مشرکان باعث نجاست اسرائیلیان تبعیدی می‌شوند، همان‌گونه که مردگان: لاوا ۵: ۲.
x - تکرار مضمون ارمیا «خدا سرچشمه آب حیات است»: ار ۲: ۱۳؛ ۱۷: ۱۳؛ ر.ک. مز ۳۶: ۱۰؛ امث ۱۳: ۱۴؛ ۲۷: ۱۴؛ ۲۲: ۱۶؛ ۴: ۱۸؛ بنسی ۲۱: ۱۳؛ ۲۴: ۲۳-۲۹.

y - تکرار سؤال ایوب (ایوب ۲۸: ۱۲-۲۰)، نویسنده در ابتدا کلیه پاسخ‌های منفی را جمع می‌کند (آیات ۱۶-۳۱) تا از آن‌ها به علم مطلق و عظمت خدا برسد (۳: ۳-۴: ۱). مشاهیر و بزرگان سیاسی، مالی و نیز هنرمندان، نخستین گروه‌های مورد نظر هستند: آیات ۱۶-۱۹.

z - معنای این آیه زیاد واضح نیست؛ ترجمه‌های مختلفی از روی آن می‌توان به عمل آورد: (۱) کسانی که پول جمع می‌کنند و پول مشغله فکری ایشان است، اما از اعمالشان اثری باقی نمی‌ماند. (۲) کسانی که بادقت با پول کار می‌کنند اما از اعمالشان اثری باقی نمی‌ماند. (۳) کسانی که با پول با چنان دقتی کار می‌کنند که زرفای عملشان دست نیافتنی است.

a - نسل جدید و جوان نیز مانند گذشتگان حکمت را دریافته‌اند: ر.ک. آیات ۲۰-۲۱.

ساکن شده اند؛

اما راه دانش را نشناخته اند،

^{۲۱} به کوره راه های آن توجه ننموده اند

و فکر خود را به آن مشغول نداشته اند؛

پسران نیز از راه پدران خود به دور

مانده اند.

^{۲۲} در کنعان از او چیزی ندانسته اند،

نه در تیمان آن را دیده اند؛^b

ار ۷:۴۹

^{۲۳} به همین گونه پسر هاجر که در طلب

پید ۱۲:۲۵

فراست بر زمین بود،

بازرگانان مران و تیمان،

گویندگان افسانه ها و جویندگان

هوشمندی،

هیچ یک از آنان راه حکمت را

نشناخته اند،

کوره راه های آن را به یاد نیاورده اند.

^{۲۴} ای اسرائیل، چه بزرگ است خانه

خدا،

و چه وسیع است دامنه قلمروش!

^{۲۵} او بزرگ است و بی کران،

او متعال است و بی اندازه!

^{۲۶} در آنجا غول های عظیم الجثه از ازل^c،

با قامتی افراشته و آگاه به نبرد زاده

شده اند.

^{۲۷} اینان نیستند که خدا برگزیده

و راه دانش را به ایشان نشان نداده است.

^{۲۸} آنان به خاطر بی بصیرتی نابود شده اند

و به خاطر بی فکریشان از بین رفته اند.

^{۲۹} چه کسی به آسمان ها بالا رفته تا آن

ث ۳۰:
۱۱-۱۲:
بنسی ۴:۲۴

را کسب کند

و آن را از ابرها پایین کشیده است؟^d

^{۳۰} چه کسی دریا را درنوردیده تا آن را

بیبند

و آن را به بهای زر ناب همراه آورده است؟

ایوب ۲۸:۱۵:
امت ۲:۴

^{۳۱} کسی نیست که راه آن را بداند،

و نه هیچ کس که مشتاق کوره راه آن

باشد.

تنها خدا آن را می شناسد و آن را به اسرائیل داده است

^{۳۲} اما او که همه چیز را می داند آن را

ایوب ۲۸:
۲۳-۲۷

می شناسد

و با فراست خود آن را کاویده است،

زمین را برای جاودانگی به وجود آورده^e

و آن را از چهارپایان پر کرده است؛

^{۳۳} او نور را می فرستد و او می رود،

آن را فرا می خواند و او لرزان اطاعت

می کند؛

^{۳۴} ستارگان در شب زنده داری هایشان بنسی ۹:۴۳-۱۰

می درخشند و شادمان هستند؛

b- ملل مشرق زمین هر چند به دانش مشهورند، آنان نیز حکمت را در نیافته اند. آیات ۲۲-۲۳. برخی پیشنهاد کرده اند که به جای مران (آیه ۲۳ ب) مدیان خوانده شود.

c- غول ها ازلی (ر. ک. پید ۶:۱-۴) نیز به حکمت دست نیافته اند، آیات ۲۶-۲۸. این غول ها در دوران اندکی پیش مسیحیت از توجه خاصی برخوردار بودند: حک ۱۴:۶؛ بنسی ۷:۱۶؛ خنوخ ۷:۱۵؛ یوبیل ۵:۷.

d- برای ختم بحث درباره غیرقابل دسترس بودن حکمت، آیات ۲۹-۳۱ از عبارتی مرسوم در ادبیات حکمتی بهره می جویند. توازی این متن با تث ۱۱-۱۴ بیانگر هویت حکمت و تورات است (ر. ک. بار ۱:۴).

e- ایده ای که حکمت را در کار آفرینش سهیم می داند در اینجا تلویحاً بیان شده است (مقایسه کنید با امت ۸:۲۲-۳۱). آیات ۳۳-۳۵ نیز به آفرینش اشاره دارند، اما احتمالاً تکرار آن را در آهنگ طبیعت و به ویژه جایگزینی و توالی روز و شب القاء می کنند. همچنین سروری و سلطه خدا بر طبیعت که راز آن بر انسان مکتوم مانده، مرتباً بر این شهادت می دهد که تنها خداست که از ازل حکمت را می شناسد.

۳۵ او آن‌ها را فرامی‌خواند و آنان می‌گویند: ما اینجا هستیم!
و با شادمانی برای آفریدگار خود می‌درخشند.
۳۶ اوست خدای ما،
و هیچکس جز او در حساب نمی‌آید.
۳۷ او همه راه‌های منتهی به دانش را کاویده
و آن را به خادمش یعقوب
و به محبوبش بنی اسرائیل، نشان داده
است.
۳۸ بعد از آن، حکمت^f بر زمین پدیدار
گشت
و در نزد انسان به سر برده است.
مز ۱:۴۷:۴۰:۲۶:۳۵:۳۸
اش ۲۶:۴۰
ایوب ۳۵:۳۸
اش ۱۰:۴۳:۱۸:۴۵:۲۳:۲۸
اش ۱:۱۰:۳۱:۶:۱۴:۱
حک ۱:۶:۱۴
یو ۱:۱۴

۴ حکمت کتاب احکام خداست،
خود تورات که تا به ابد پایدار
خواهد بود^g؛
هر که به آن بپیوندد زندگی خواهد یافت،
اما هر که آن را ترک کند خواهد مرد.
بنسی ۲۴:۲۳-۲۴
بنسی ۹:۳:۵:۴۵
ار ۱۲:۳:۱۲:۳
حزق ۱۴:۶
هو ۱۴:۳-۲
اش ۳:۶۰

تشویق
۲ ای یعقوب، باز آی^h و آن را برگیر،
و در نور آن به سوی روشنائی گام بردار.
۳ جلال خود را به دیگری مده،
و نه امتیازهای خود را به ملتی بیگانه.
۴ ای اسرائیل، ما چه سعادت‌مندیم،
زیرا آنچه خوشایند خداست بر ما آشکار
شده است!

تشویق و تسلیⁱ اورشلیم

تشویق تبعیدیان
۵ ای قوم من، دلیر باش^l، تو ای یادبود
اسرائیل^k!
۶ شما به ملت‌ها فروخته شده بودید
اما نه برای ویرانی تان؛
بلکه چون خشم خدا را برانگیخته بودید
ث ۱۶:۳۲
اش ۱:۵۰:۳:۵۲

f- هر چند از سیاق مطلب چنین برمی‌آید که حکمت در میان انسان‌ها دیده شده و به سر برده است، اما در متن یونانی که مسند و مسندالیه آن روشن نیست معنای آن در پرده ابهام و تناقض می‌ماند. در برخی نسخ به جای پدیدار گشتن، دیده شدن یا به سر بردن آمده است. (این گزینه در متن وتوس لاتینا پذیرفته شده است، ر.ک. پیشگفتار). در این حالت می‌توان به اشاره ای به مسیح پی برد (همان کاری که پدران کلیسا کرده‌اند) یا اشاره ای به ظهور خدا بر کوه سینا که تورات را بر موسی آشکار گردانید (ر.ک. تث ۴:۳۳-۳۶؛ بنسی ۱۷:۱۱-۱۴).
g- در مورد این آیه که بیانگر تعمق طولانی اسرائیل بر حکمت است، به پیشگفتار رجوع کنید.
h- دعوت به توبه و بازگشت.

i- نبی گمنام با الهام از تث ۳۲، نخست به تبعیدیان خطاب کرده و ضمن تشویق و ترغیب آنان علل تبعید ایشان را گوشزد می‌کند (۹:۵-۴). در اینجا اورشلیم که همانند مراثنی باب ۱ به هیأت شخص درآمده سرانجام رشته سخن را به دست می‌گیرد (۹:۴-۲۹): شکایت خود را به گوش مجاوران و همسایگان صهیون می‌رساند (۹:۴-۱۶) و سپس رو به فرزندان تبعیدی خود می‌کند (۴:۱۷-۲۹) تا آنان را تسلی دهد: خدا آن‌ها را نجات خواهد داد و ماتم آنان را به شادی تبدیل خواهد کرد. سرانجام نبی سخن را ادامه می‌دهد (۴:۳۰-۵:۹) تا گفتاری از تشویق و ترغیب را که عبارات آن شبیه سروده‌های اش ۴۰-۵۵ و ۶۰-۶۲ است به گوش اورشلیم فرو خواند. قبل از هر چیز عقوبت دشمنان را اعلام می‌دارد (۴:۳۰-۳۵) و سپس اورشلیم را با تذکر به گردنمایی و بازگشت پیروزمندانه فرزندانش فرا می‌خواند (۴:۳۶-۵:۹).

j- تکرار عبارت دلیر باش برای این روایت سایه افکنده است: ر.ک. ۲۱، ۲۷، ۳۰

k- قوم هر چند در تبعید است اما نام اسرائیل را حفظ نموده تداوم می‌بخشد. معنای احتمالی دیگر: نویسنده قوم را به حصه ای برگزیده از تقدیمی‌ها و قربانی‌ها که آن را یادبود می‌خواند تشبیه می‌کند (ر.ک. لاو ۲:۲ توضیح)؛ مراسم یادبود یعنی سوزاندن صمغ‌های خوشبو بر قربانگاه که خوشایند خدا محسوب می‌شد.

و نه کوره راه های تعلیم منطبق با عدالت امث ۱:۳-۲
وی را پیروی کردند.

^{۱۴} ای همسایگان صهیون بیایید!

از اسارت پسران و دختران من یاد کنید
که جاودان بر آن ها روا داشته است!

^{۱۵} زیرا ملتی دور دست را علیه ایشان
آورده است،
ملتی بی شرم، با زبانی غریب و بیگانه،
که نه به سالخورده احترام می گذارند و نه
به کودک رحم می کنند،
^{۱۶} که فرزندان عزیز بیوه را با خود برده

و او را تنها و محروم از دخترانش باقی اش ۶۰:۱۵
گذاشته است.

^{۱۷} اما من چگونه می توانم به یاری شما
بشتابم؟

^{۱۸} آن که شما را به این بدبختی ها مبتلا
کرده

شما را هم از دست دشمنانتان خلاصی
خواهد داد.

^{۱۹} بروید، ای فرزندان من بروید!

اما من تنها و متروک خواهم ماند؛

^{۲۰} من ردای آرامش را از تن کنده ام،

لباس استغاثه^m پوشیده ام،

و تمام روزهای زندگیم به سو [آن] جاودان
ناله خواهم کرد.

^{۲۱} ای فرزندان دلیر باشید! به سوی خدا

ناله و فریاد کنید

و او شما را از سلطه و از دست

دشمنانتان خلاصی خواهد داد؛

به دشمنان تسلیم شدید.

^۷ با قربانی کردن به دیوها و نه به خدا،

آفریدگار خود را خشمگین ساختند؛

^۸ خدای جاودانی را که به شما روزی داده

فراموش کرده اید،

و اورشلیم را که شما را پرورده است

اندوهگین ساخته اید.

^۹ او خشمی را که از جانب خدا بر شما

فرا رسیده دیده

و گفته است:

اورشلیم فرزندانش را تشویق

می کند و تسلی می دهد

«ای همسایگان صهیون، گوش فرا

دارید،

خدا مرا به ماتمی عظیم مبتلا کرده است؛

^{۱۰} زیرا من اسارتی را دیده ام

که جاودان^۱ بر پسران و دختران من وارد

کرده است؛

^{۱۱} آن ها را با شادمانی پرورده بودم

اما رهایشان کردم تا در اشک و رنج بروند.

^{۱۲} هرگز کسی از دیدن من که بیوه شده ام

و کسان بی شمار ترکش گفته اند شاد

نشود.

من به خاطر گناهان فرزندانم تنها شدم

زیرا آنان از تورات خدا روی گردانده

بودند،

^{۱۳} فرمان های وی را درک نکردند

و در راه قوامین خدا، گام برنداشتند

لاو ۱۷:۷
تث ۳۲:۱۷
مز ۱۰۶:۳۷
۱- قرن ۱۰:۲۰

تث ۳۳:
۱۳-۱۴، ۱۸
اش ۱:۲

۲۳:۴

مرا ۱:۱-۲:
اش ۲۱:۴۹

1- در هیچ جای دیگری در سراسر کتاب مقدس از این اصطلاح که باروخ بارها آن را به کار می برد به تنهایی برای رساندن مفهوم خدا استفاده نشده است (۴:۱۰، ۱۴، ۲۰، ۲۲، ۲۴، ۳۵:۲، ۵:۲)، باروخ با کاربرد واژه «جاودان» می خواهد فنا ناپذیری و جاودانگی خدا و نیز نقشه وی را بیان کند، برای همین است که مواهبی که خدا به بشر ارزانی می دارد خود جاودان و پایدارند: شادی، نام (۴:۲۳، ۲۹:۵، ۱:۴). ر.ک. ۲:۳۵، ۳:۱۳، ۴:۱.

m- تحت اللفظی: پلاس استغاثه خود را. این رفتار آئینی یکی از بارزترین ویژگی های آئین نبایش توبه و انابت است.

۲۲ زیرا امید دارم که [آن] جاودان شما را خواهد رها کند
و آن قدوس مرا شادمانی بخشیده است:
به زودی از جانب جاودان، نجات دهنده
شما رحمت خواهد رسید.
۲۳ زیرا من رهایتان کردم تا در اشک و
رنج بروید،
۲۴ اما خدا شما را در شادمانیⁿ و سعادت
برای همیشه به من باز خواهد داد.
۲۵ همان گونه که همسایگان صهیون
اکنون اسارت شما را می نگرند،
به زودی نجات را از سوی خدای شما نیز
خواهند دید،
که باشکوهی بزرگ و درخششی جاودان
بر شما فرا خواهد رسید.
۲۶ ای فرزندان، خشمی را که از سوی
خدا بر شما فرا رسیده با شکیبایی تحمل
کنید.
دشمن، تو را تحت فشار نهاده اما
به زودی نابودی او را خواهی دید
و پایت را برگردنش خواهی گذاشت.^o
۲۷ پسران پراحساس من، راه های
پرسنگلاخ را در نور دیده اند،
چون رمه ای مورد هجوم دشمن ربوده
شده اند.
۲۸ ای فرزندان دلیر باشید و به سوی خدا
فریاد برآورید،
۲۹ زیرا آن که این را بر شما آورده، از شما
یاد خواهد کرد.
۳۰ همچنان که افکارتان، شما را به دور
از خدا سرگردان کرده،
یک بار که به سوی او بازگشت کنید،
ده ها بار بیشتر در جستجویش تلاش
خواهید کرد!
۳۱ زیرا آن کس که شما را به این ۱۸:۴، ۲۳
بدبختی ها مبتلا کرده
با نجات شما، برایتان سعادت جاودان
خواهد آورد.
تسلی اورشلیم
۳۰ ای اورشلیم، دلیر باش! او که نام تو اش ۱:۴۰
را داده تو را تسلی خواهد داد.^p
۳۱ وای بر آنانی که با تو به بدی رفتار
کرده اند و از سقوط تو شادمان شده اند!
۳۲ وای بر شهرهایی که فرزندان تو در
آنجا به بردگی کشانده شده اند!
وای بر شهری که پسران تو را پذیرفته
است!^q
۳۳ زیرا همان گونه که از سقوط تو شادمان
شدند و از ویرانی تو لذت بردند،
به همین گونه از ویرانی خویش
اندوهگین خواهند شد:
۳۴ شادی شهر پر جمعیت را از آن خواهم
گرفت
و گستاخی اش تبدیل به ماتم خواهد شد،
۳۵ زیرا جاودان [آن]، ایامی طولانی آتش اش ۱۴:۴۷

n- در باروخ همانند اشعیا ۲۰، همان جو شادی حاکی از اعلام بازگشت قریب الوقوع به چشم می خورد. ر.ک. بار ۲۳:۴، ۲۹، ۳۶:۳ و ۹۵:۱۱ و اش ۳:۵۱، ۱۱:۵۲، ۹:۵۵، ۱۲:۵۵، ۱۵:۶۰، ۱۵:۶۱، ۳:۶۱.

o- حرکتی بیانگر تحقیر و شکست که پیروزمند بر شکست خورده اعمال می کند.

p- تا آن را شهر خود گردانند و دعوت خود را برایش معنی کنند. ر.ک. اش ۱:۲۶، ۱۴:۶۰، ۴:۶۲، ۱۲:۱۲، ۱۶:۳۳، ۱۶:۴۸، ۳۵:۴، زک ۳:۸، مز ۸۷:۵. نویسنده در ۴:۵ نام قطعی اش را بر آن می نهد.

q- نظر نویسنده بیشتر به شهر بابل معطوف است؛ مقایسه کنید با ار ۵۰-۵۱؛ اش ۴۷.

- بر آن‌ها خواهد بارانید
و تا مدت‌های بسیار مسکن دیوها خواهد
بود.
- ۵:۵ ۳۶ ای اورشلیم به جانب مشرق^f بنگر و
شادی را که از سوی خدا بر تو می‌آید ببین.
۳۷ اینک پسرانی که تو رها کرده بودی تا
بروند باز می‌آیند،
اش ۷-۵:۴۳ آنان جمع شده به سخن قدوس از مشرق
و مغرب می‌آیند،
و از جلال خداوند شادمانند.
- ۱ ای اورشلیم، از لباس ماتم و
درماندگی بدر آی
- ۵
و زیور زیبای جلال خدا را برای همیشه
بپوش. اش ۱۸:۴۹
۱۰:۵۲
۱۰:۶۱
- ۲ ردای عدالت را که خدا به تو داده در بر
کن
و تاج شکوه جاودان را بر سر گذار؛
اش ۴-۱:۶۲ ۳ زیرا خدا شکوه^s تو را به تمام زمین زیر
آسمان نشان خواهد داد؛
۳۰:۴ ۴ و این نام را برای همیشه به تو خواهد
بخشید:
- «صلح عدالت و جلال پرهیزکاری^t».
- ۵ ای اورشلیم^u برخیز!، بر بلندی‌ها فراز
اش ۱۷:۵۱
۱:۶۰
- آی و به سوی مشرق بنگر:
فرزندان را بنگر که از غروب آفتاب تا
طلوع آن، به سخن قدوس جمع شده‌اند
و شادمان هستند از آن که خدا آنان را
به یاد آورده است.^v
۶ آنان از دروازه‌های تو پای پیاده رفتند
و دشمنان بر آن‌ها مسلط،
اش ۴:۶۰
۲۰:۶۶ اما خدا آن‌ها را به تو بازمی‌گرداند،
ملبس به جلال چون تخت پادشاهی^w.
۷ زیرا خدا فرمان داده است که تمام
کوه‌های بلند و همه تپه‌های شن بی پایان
پست گردند،
اش ۴:۴۰
۱۱:۴۹ و همه دره‌ها پر شوند تا زمین مسطح
گردد،
اش ۱۶:۴۲ تا اسرائیل در ایمنی و در جلال خدا
بخرامد.
- ۸ به فرمان او همه جنگل‌ها و نیز همه
درخت‌های عطرآگین، شاخه‌های خود را بر
اسرائیل می‌گسترانند.
۹ زیرا خدا اسرائیل را با شادمانی به نور خروج^x
۲۲-۲۱
جلال خود هدایت خواهد نمود،
با رحمت و عدالتی که از آن اوست.



t- که از آنجا نجات خواهد آمد، همان‌طور که اشعیا نبی گفته است: اش ۴۱-۲:۲۵-۲۶:۱۱؛ ر.ک. مت ۲:۲.

s- بازتاب درخشش خاص خدا، ۲۴:۴.

t- ر.ک. ۳۰:۴ توضیح.

u- نویسنده در آیات ۵-۹، همانند اشعیا دوم، بازگشت تبعیدیان را چون خروجی نوین می‌نگارد. مزبور یازدهم سلیمان بسیار نزدیک به این متن است؛ ر.ک. پیشگفتار.

v- پاسخ استغاثه و ناله ۵:۳ در اینجا داده می‌شود.

w- نسخه لاتین: چون فرزندان پادشاهی. برخی طبق فرضیه‌ای که منشاء آن زبان سامی است چنین ترجمه می‌کنند: چون بر تخت پادشاهی.